

جورج فریدمن
استراتژیست

فرهنگ نظامی‌گری در اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ شکل گرفت؛ زمانی که مصر و سوریه بدون هشدار قبلی حمله کردند. نکته مهم این است که این حمله تهدیدی مستقیم برای منافع آمریکا بود. مصر و سوریه هر دو توسط اتحاد جماهیر شوروی مسلح شده بودند، بنابراین شکست اسرائیل ممکن بود مسکو را بر کانال سوئز مسلط کرده و موجب شود تا شوروی از طریق اشغال سوریه، به نفت عربستان دسترسی پیدا کند. این وضعیت به سرعت نشانه‌هایش را با تحریم نفتی اعمال شده از سوی اعراب نشان داد و باعث ایجاد یک بحران اقتصادی در ایالات متحده و باقی کشورهای غربی شد. بنابراین، واشنگتن با عجله از اسرائیل حمایت مادی کرد و روند دیپلماتیکی را آغاز کرد که به نفع خود و متحد خاورمیانه‌اش بود و در عین حال در مسیر اتحاد جماهیر شوروی مانع ایجاد کرد. به‌راحتی می‌توان با توجه به شرایط آن دوره و وضعیتی که در آن، آمریکا خود را در خطری جدی احساس می‌کرد، مشابهت‌هایی را یافت. امروز به مواضع اسرائیل نگاه می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که اسرائیل مشغول همین مشابهت‌سازی‌هاست اما مسیر اشتباهی را در پیش گرفته است.

عمیقاً این تصور در ذهنیت اسرائیلی‌ها وجود دارد که ایالات متحده، اسرائیل را به‌هیچ‌وجه رها نخواهد کرد. اما ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید ملت‌ها دوست و دشمن دائمی ندارند و فقط منافع دائمی دارند. در سال ۱۹۷۳، منافع اسرائیلی‌ها حفاظت از کل اسرائیل بود و هیچ چیز دیگری در آن نبود. ایالات متحده اما نگاهی به اسرائیل داشت که شاید بتوان آن را علاقه‌مندی به اسرائیل نامید. اما واقعیت این است که تدوین استراتژی براساس احساسات بسیار خطرناک است. آنچه در آن زمان واقعاً برای واشنگتن اهمیت داشت، مهار اتحاد جماهیر شوروی بود. اسرائیل اکنون درگیر جنگی است که شباهت‌هایی با آن دوران دارد. بی‌کفایتی سازمان اطلاعات اسرائیل امروز رخ داده و در سال ۱۹۷۳ هم رخ داد و امروز هم مثل سال ۱۹۷۳ این باور وجود دارد که تنها چیزی که امنیت اسرائیل را تضمین می‌کند، شکست قاطع دشمن است. استراتژی که بر مبنای این تفکر شکل گرفته، به وضوح فرض را بر این قرار می‌دهد که ایالات متحده منافع اسرائیل را در انجام عملیات سیاسی و مالی گران‌قیمت علیه حماس به رسمیت می‌شناسد. اما جنگ سال ۱۹۷۳ چند هفته طول کشیدند چندماه، عملیاتی که امروز در جریان است نه‌تنها مزایای جنگ سال ۱۹۷۳ را به دنبال نخواهد داشت بلکه هزینه‌های زیادی را نیز ایجاد خواهد کرد. تئوری اسرائیل این است که ضربه بزرگ حماس را محومی کند و تهدید اسلام‌رادیکال را از بین می‌برد. این تئوری یک ایده دور از ذهن است. اگر با این تهدید برخورد سیاسی نشود، به یک واقعیت دائمی تبدیل خواهد شد.

در سال ۱۹۷۳، شکست سنگین مصر، سیاست این کشور را تغییر داد اما امروز سال ۱۹۷۳ نیست و برداشت مصر از واقعیت با برداشت حماس از واقعیت یکسان نیست. برداشت ایران از واقعیت هم مشابهتی با گذشته ندارد. اسرائیل رویای نبرد دیگری شبیه به «نبرد مرزعه‌چینی» (نبرد اکتبر سال ۱۹۷۳) را در سر می‌پروراند. در آن نبرد اسرائیلی‌ها از کانال سوئز عبور کردند و جنگ را به نفع خود خاتمه دادند. جنگ امروز اما متفاوت است و تصور یک نبرد که با پیروزی اسرائیل همراه باشد، دشوار است. مهمتر از همه این است که ایالات متحده منافع زیادی در ادامه این جنگ ندارد و اتفاقاً این جنگ باعث شکاف بین واشنگتن و تل‌آویو شده است. تنها وجه مشترک این دو جنگ، شکست اطلاعاتی عظیم اسرائیل است. حتی شکست حماس هم تنها زمینه را برای جنگ بعدی فراهم می‌کند و اسرائیل باید با احتمال شکست اطلاعاتی بعدی مقابله کند. جنگ عرصه حق و باطل نیست. جنگ عرصه توان اطلاعاتی و تسلیحاتی است. اسرائیلی‌ها در شرایط بسیار محدودکننده و با راهبردی می‌جنگند که در آن مجبورند به صورت زنجیره‌ای با حماس مقابله کنند. این راهبرد مسیر را بسیار طولانی و خطرناک می‌کند. سال ۲۰۲۴ سال ۱۹۷۳ نیست.

محمدحسین لطفالهی
خبرنگار گروه بین‌الملل

جغرافیای ترکیه و عضویت آن در ناتو به این کشور صدایی اثرگذار در سیاست خارجی داده است اما برخی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نقش و اثرگذاری ترکیه در عرصه بین‌المللی را پیچیده کرده است.

ترکیه در سال ۱۹۲۳ بر روی بقایای امپراطوری عثمانی بنا شد و تا سال‌ها تلاش کرد از طریق برقراری روابط اقتصادی و نظامی غرب، در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت مدرن و سکولار گام بردارد. با این وجود طی دو دهه اخیر و با قدرت گرفتن رجب طیب اردوغان و حزب متبوع او عدالت و توسعه (AKP) که تمایل داشتند ترکیه را به‌عنوان یک بازیگر آزاد از بلوک‌بندی‌ها و یک قدرت بین‌المللی مطرح کنند شرایط تا حدی تغییر کرده است.

طی سال‌های گذشته، ترکیه با سیاست‌های تهاجمی خود از جمله دخالت نظامی در لیبی و سوریه و طرح ادعاهای ارضی در مدیترانه، خشم و عصبانیت همسایگان خود را برانگیخته است. این اقدامات در کنار سیاست‌های داخلی اردوغان و شیوه همکاری خاص او با روسیه و چین، روابط ترکیه را با دیگر اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز تحت تأثیر قرار داد و باعث شد تردیدهایی جدی در خصوص جایگاه ترکیه در آینده جهان، نقش سیاست خارجی ترکیه در تحولات بین‌المللی و سرنوشت پرونده‌های مهمی نظیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ایجاد شود. با این حال این سیاست‌ها در داخل ترکیه تأثیر معکوسی داشته و باعث شده‌اند تا اردوغان بتواند با پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۳ برای یک دوره ۵ ساله دیگر نیز جایگاه خود را به‌عنوان رئیس‌جمهور ترکیه تثبیت کند.

▼ چرا ترکیه مهم است؟

ترکیه فرزند فروپاشی امپراطوری عثمانی است؛ امپراطوری بزرگی که مرزهایش سه قاره را در بر می‌گرفت و ضمن رهبری جهان اسلام برای صدها سال، بخش‌هایی از اروپا و آفریقا را نیز در اختیار داشت. مرزهای عثمانی شاهد هزاره‌ای از درگیری و تقابل میان شرق و غرب، اسلام و مسیحیت و سنت و مدرنیته بود. ترکیه امروز، وارث بخشی از این تقابل‌هاست.

مساحت ترکیه ۷۸۳ هزار و ۵۶۲ کیلومتر مربع است و براساس آمار سال ۲۰۲۲ حدود ۸۵ میلیون نفر در این کشور زندگی می‌کنند. بیش از ۹۹ درصد جمعیت ترکیه مسلمان (عمدتاً اهل سنت) هستند و زبان رسمی در این کشور ترکی است. هر چند مشکلاتی مانند تورم، اقتصاد ترکیه را در سال‌های اخیر تحت تأثیر قرار داده اما این کشور براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۲۲ تولید ناخالص داخلی ۹۰۷ میلیارد دلاری را به ثبت رسانده است و درآمد سرانه شهروندان ترکیه‌ای بیش از ۱۰ هزار دلار برآورد می‌شود.

توجه به جایگاه جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی ترکیه نشان می‌دهد این کشور می‌تواند اثرگذاری قابل‌توجهی بر منطقه قفقاز، آسیای مرکزی، مدیترانه، اروپا و خاورمیانه بگذارد. از سوی دیگر پیمان مونتره (۱۹۳۶) به ترکیه اجازه می‌دهد کنترل تنگه‌های بسفر و داردانل را در اختیار داشته باشد. این آبراه استراتژیک، دریای سیاه را به دریای اژه متصل می‌کند و سالانه میلیون‌ها تن کالا و به‌ویژه غلات از طریق آن به سراسر جهان صادر می‌شود.

در بسیاری از پایگاه‌های نظامی ترکیه نظامیان آمریکا و ناتو نیز حضور دارند و پایگاه هوایی اینجیرلیک در جنوب این کشور میزبان بمب‌اتم آمریکایی است. این مسئله باعث شد در تحولاتی که طی دوران جنگ سرد اتفاق می‌افتاد نیز ترکیه نقش مهمی در تقابل جنگ سرد غرب و اتحاد جماهیر شوروی داشته باشد.

▼ سیاست خارجی ترکیه چگونه کار می‌کند؟

با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، طرف پیروز جنگ به‌ویژه بریتانیا و فرانسه بخش‌های زیادی از این امپراطوری را اشغال کردند و تصمیم گرفتند آن را بین ارمنی‌ها، یونانی‌ها، اعراب و کردها تقسیم کنند. این مسئله از نگاه ملی‌گرایان ترک قابل‌پذیرش نبود و آن‌ها به رهبری مصطفی کمال آتاتورک ضمن رد طرح پیشنهادی اشغالگران، جنگی را برای استقلال آغاز کردند. نتیجه این جنگ تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ بود. به‌عنوان مؤسس و اولین رئیس‌جمهور، آتاتورک تصمیم گرفت اصلاحات زیادی را در ترکیه آغاز کند و این کشور را به سوی مدرن‌سازی هدایت کند. او دیدگاه خاصی در عرصه سیاست خارجی داشت و با شعار «صلح در خانه، صلح در جهان» کوشید تا ضمن حفظ استقلال ترکیه، روابط نزدیکی با کشورهای غربی، به‌ویژه دشمنان سابق امپراطوری عثمانی یعنی بریتانیا و فرانسه برقرار کند.

در بیشتر طول دوران جنگ جهانی دوم، ترکیه به‌عنوان کشوری بی‌طرف اما با تمایلات نزدیک به متفقین باقی ماند. پس از پایان جنگ، روابط خود را با طرف پیروز تقویت کرد و در سال ۱۹۵۲ توانست عضو ائتلاف ناتو شود. ترکیه همچنین با بهره‌گیری از شرایط زمانه و به‌خصوص سیاست‌های آنتی‌کمونیستی هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، توانست کمک‌های نظامی و اقتصادی از واشنگتن دریافت کند و وضعیت خود را بهبود بخشد. این کمک‌ها، ترکیه را در مسیر ایجاد دولتی مقتدر که ایدئولوژی سکولار و ملی‌گرایانه داشت، یاری کرد. ترکیه در دهه‌های بعدی به دلیل درگیری‌ها و اختلافات شدید سیاسی و همچنین دخالت‌های ارتش و کودتا با مشکلات زیادی مواجه شد. پس از کودتای سوم بود که تلاش‌ها برای بازگشت اسلامیت و ارزش‌های سنتی به ترکیه آغاز شد و آموزش‌های اسلامی و مساجد بار دیگر به بخشی از فرهنگ ترکیه بدل شد.

اردوغان و حزب متبوع او عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در شرایطی به قدرت رسیدند که ترکیه برای بیش از یک دهه درگیر بی‌ثباتی سیاسی و بحران اقتصادی بود. عدالت و توسعه با اعمال اصلاحات سیاسی و اقتصادی تلاش کرد تا ترکیه را به استانداردهای اتحادیه اروپا نزدیک‌تر کند و با رشد اقتصادی متوسط ۷/۵ درصد در سال در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ محبوبیت زیادی در بین مردم به دست آورد. در عرصه سیاست خارجی در سال‌های آغازین به قدرت رسیدن اردوغان و حزب او، شعار حزب عدالت و توسعه «تنش صفر با همسایگان» بود و ترکیه تقویت تجارت و تأکید بر هویت اسلامی را به‌عنوان ابزارهای اصلی در مسیر توسعه نفوذ خود در سیاست خارجی مورد بهره‌برداری قرار می‌داد. ترکیه هم‌زمان سیاستی را دنبال می‌کرد که از دیدگاه تحلیلگران به «نوعمدانی‌گری» معروف شده است. بر این اساس ترکیه کوشید تا از «کم‌الیس» و ایدئولوژی آتاتورک فاصله بگیرد. سیاست خارجی بر مبنای ایدئولوژی آتاتورک به غرب متمایل بود و منجر شد ترکیه از همسایگانش جدا شود. در مقابل، نوعمدانی‌گری سعی دارد جای پای ترکیه بین همسایگانش را، بدون از دست دادن تصویر بزرگ‌تر، محکم کند. در راستای این سیاست نیز سیاست خارجی ترکیه به مرور تغییر یافت و با هر قیمتی در پی اعمال نفوذ در مناطقی رفت که در گذشته تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی قرار داشت. عثمانی در اوج خود بالکان، بیشتر خاورمیانه کنونی و شمال آفریقا و قفقاز را در کنترل داشت.

برای دستیابی به این هدف، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه تصمیم گرفت فعالیت‌های دیپلماتیک ترکیه در مناقشه‌های این مناطق را افزایش داده و هم‌زمان مداخله نظامی را از سوی آنکارا به‌عنوان یک گزینه پراستفاده مطرح کند. ترکیه در سال‌های اخیر در جمهوری آذربایجان، عراق، لیبی و سوریه مداخله نظامی داشته، صادرات نظامی خود را افزایش داده و از اتیوپی در آفریقا تا اوکراین در اروپا مقصد صادرات نظامی ترکیه به‌ویژه پهپاد هستند. توسعه مراکز اسلامی از جمله مدارس مذهبی در مناطق مختلف نیز از جمله دیگر اقداماتی است که ترکیه اردوغان در دستور کار قرار داده است.



تکس، Gettyimages

جاه‌طلبی‌های

نوعمدانی‌گرایی چگونه سیاست

▼ نه‌چندان موفق در خاورمیانه

سیاست «تنش صفر با همسایگان» حزب عدالت و توسعه تحت تأثیر بسیاری از مؤلفه‌ها از جمله تحولات بهار عربی کاملاً تحت تأثیر قرار گرفت و تا مدت‌ها روابط ترکیه با بسیاری از همسایگان تیره‌وتار بود اما با نگرانی‌های آنکارا از آینده از اقتصاد ترکیه، تلاش‌های زیادی برای ترمیم این روابط و تقویت بُعد تجاری آن صورت گرفت. اهداف آنکارا در حال حاضر جلب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و استفاده از قدرت لابی همسایگان برای تقویت موضع خود در واشنگتن است.

روابط ترکیه با بحرین، مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در پی حمایت ترکیه از اخوان المسلمین در مصر طی تحولات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ کاملاً تحت تأثیر قرار گرفت. با گذشت زمان روابط آنکارا و ریاض حتی وخیم‌تر هم شد؛ زمانی که مأموران امنیتی سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول اقدام به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی کردند. هم‌زمان آنکارا در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری روابط خود را با تهران تعمیق کرد. با شروع شیوع بیماری کووید ۱۹ و شروع مشکلات اقتصادی جدی ترکیه، آنکارا نیز تلاش کرد با اصلاح روابط با همسایگان وضعیت را تغییر دهد. روابط آنکارا با تل‌آویو یکی از عجیب‌ترین روابط در نوع خود است. ترکیه اولین کشور با جمعیت اکثریت مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و دو طرف همکاری‌های زیادی در عرصه امنیتی در اواخر دهه ۹۰ میلادی و اوایل دهه ۲۰۰۰ داشتند. این روابط با میزبانی

سیاست «تنش صفر

با همسایگان» حزب

عدالت و توسعه

تحت تأثیر بسیاری

از مؤلفه‌ها از جمله

تحولات بهار عربی

کاملاً تحت تأثیر

قرار گرفت و تا

مدت‌ها روابط ترکیه با

بسیاری از همسایگان

تیره‌وتار بود اما با

نگرانی‌های آنکارا از

آینده از اقتصاد ترکیه،

تلاش‌های زیادی برای

ترمیم این روابط و

تقویت بُعد تجاری آن

صورت گرفت

شکست تاریخی در انتخابات

وضعیت اقتصادی ترکیه اصلی‌ترین عامل ناامیدی هواداران دیرین حزب عدالت و توسعه بود

انتخاباتی حزب عدالت و توسعه طی دو دهه گذشته را بر اردوغان تحمیل کردند و موفق شدند اداره امور شهرهای زیادی از جمله بزرگترین شهرهای ترکیه را در اختیار بگیرند.

این شکست در درجه نخست تهدیدی برای آینده سیاسی اردوغان به حساب می‌آید اما هم‌زمان می‌تواند فرصتی بزرگ برای مخالفان او باشد که با بودجه قابل‌توجه شهرهای بزرگ، موقعیت سیاسی و وجهه خود را در میان عامه مردم ارتقا دهند و در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده ترکیه که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۸ برگزار شود، با قدرت بیشتری ظاهر شوند.

براساس گزارش خبرگزاری دولتی آنا‌تولی، در این انتخابات، حزب جمهوری‌خواه مردم با کسب ۲۷/۸ درصد از مجموع آرای مردمی که بالاترین رأی این حزب از سال ۱۹۷۷ به این سوبه حساب می‌آید، جایگاه نخست را در سراسر کشور به دست آورد. در مقابل، حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان توانست ۲۵/۵ درصد آرا را از آن خود کند که بدترین عملکرد این حزب از ۲۰ سال قبل تا به امروز محسوب می‌شود.

تحلیلگران دلایل متعددی از جمله عدم توجه اردوغان به اصول دموکراتیک، سرکوب مخالفان و فشار بر اقلیت‌های دینی و قومی را به‌عنوان دلایل شکست حزب رئیس‌جمهور ترکیه در انتخابات محلی مطرح می‌کنند اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دللی که می‌توان به آن به‌عنوان دلیل اصلی شکست اشاره کرد، نارضایتی از وضعیت اقتصادی ترکیه باشد.

برک اسن، استاد دانشگاه سابانچی در استانبول در این باره به روزنامه نیویورک‌تایمز گفته است: «بسیاری از هواداران وفادار به اردوغان در انتخابات‌های گذشته به این مسئله فکر می‌کردند که آن‌ها مدام به پای

اردیبهشت سال گذشته، رجب طیب اردوغان توانست ضمن پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه، شکافی عمیق در جبهه مخالفان خود ایجاد کند و این مسئله بسیاری از جمله مخالفان او را نگران کرده بود که حالا اردوغان قادر است ترکیه را به کشوری غیردموکراتیک بدل سازد. با این وجود، نتایج شگفت‌انگیز انتخابات محلی ترکیه در هفته جاری نشان داد که اردوغان و حزب عدالت و توسعه کار آسانی برای حفظ قدرت و جایگاه خود در ترکیه ندارند.

مخالفان رجب طیب اردوغان روز یکشنبه، سنگین‌ترین شکست